

Test–texts Persian/Arabic

٢ مايو ٢٠١٥

المحتويات

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویسنده نام دارد. به خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه‌ای شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند. [۱] از این رو خوشنویسی با نگارش ساده مطالب و حتی طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از ناپیچگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن. تعادل میان مفید و موزون مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملامت نام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار باهشی معین شده است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم الخط»ها و «آداب المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده است. قرائت کلمات نیز- یعنی «کرسی»- هر سطر هر چند نه به صورت کامل پیش‌بینی و تکلیف شده - که ناممکن بوده است - اما به شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده است.

خوشنویسی اسلامی

خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها بکار

می‌بردند.[۵] خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان واژه‌ترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریان‌ات هنری بوده است.

قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است.[۶]

در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقدم سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازدهگانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن.[۷]

یک قرن بعد از ابن مقله، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.[۸]

خوشنویسی ایرانی

در حالی که عمده تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان واژه‌ترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است.

در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوه نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزیینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود.[۹]

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و بکاررفته است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته است. هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر بکار می‌بردند، اما اوج هنرنمایی آنان - برخلاف خوشنویسان ایرانی- در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم با به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استرآبادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.[۱۰]

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.[۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد.

بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلعت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته نستعلیق آنرا نیز بوجود آوردند.[۱۲] درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تاکید و توسعه

سياه مشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سوبا پدید آمدن روزنامه ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه ها و مجموعه های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه هایی چون نقاشی خط را به وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است.

در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۳۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام معلی در سال های اخیر با تاثیر از خطوط اسلامی - ایرانی نکت و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد ، خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و نکت بوده و قابلیت کتابت و کتیبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فن الخط

فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية. وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla) ۱۹۹۶: ۱۷). والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة، ومتناغمة، وماهرة" (Mediavilla) ۱۹۹۶: ۱۸). قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متعدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتحديد المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer) ۱۹۶۸: ۴۴۱). ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي، أو نسخ أبجدي (فريزر و Kwiatkowski ۲۰۰۶: جوستون ۱۹۰۹: بديت ۶).

يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla) ۱۹۹۶). يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي، وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء؛ وهي تاريخيا حروف منظمه ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرتبلة في لحظة الكتابة (بوت ۲۰۰۶ و Zapf ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶).

و يستمر الخط العربي في الازدهار في أشكال دعوات الزواج والاعداث، وتصميم بنط / الطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والفن الديني، والاعلانات / التصميم الجرافيكي / وفن الخط، والنقش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الاعلانات والصور المتحركة للسينما والتلفزيون، والشهادة في القضايا، وشهادات الميلاد والوفاة، والخرائط، وغيرها من الاعمال التي تنطوي على الكتابة.

١٤ أدوات

١٤ أداة الرئيسية في فن الخط هو القلم، مشطوف الرأس والمذنب و الريشة. وهناك المحبرة عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من أدوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون البصرية

الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة. مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الخزف، الرسم، الرسم الفني، النحت، العمارة، والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وصناعة الأفلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية، بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة.

والمفهوم المتغير. الاستخدام الحالي لمصطلح "الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفنان التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في مجاه الفنون الجميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس مجاله أشغال اليدوية والحرفية، أو من يطبق ضوابط الفن. وأكد التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفن العامة بقدره أشكاله المعقدة. الحركة تناقض مع المتحرون الذين سعوا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال إبقائها مقصورة على فئة معينة من الناس. [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي أنه يمكن اعتبار الحرفيين ممارسين للفن.

فن الكمبيوتر

الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة ١0/0 أو قالب:DN، للتحريك، استكشاف مكونات متعددة، للطباعة (بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد).

فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة، فيديو أقراص مضغوطة، دي في دي، لعبة فيديو موقع، خوارزمية، أداء، أو نصيب معرض رسوم. العديد من التخصصات التقليدية أنه أن تقوم بدمج التقنيات الرقمية، ونتيجة لذلك، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة. على سبيل المثال، الفنان قد يجمع بين الرسم

التقليدي مع الفن الحسائي وغيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية، على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلًا قائما بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكل من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي.

استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامين، المصورون، محررين الصور، النماذج ثلاثية الأبعاد، وفنانو الحرف اليدوية. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطوري الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة، وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة.

آرت

آرت ایسے کم یا کماں نی آکھیا جاند اے جید ے وچ چیزاں نی نشاناں نال اینج دسیا جاند اے جی اوہ سوهنیاں لگن۔ آرت دی بنی شی کچی کھانی دس دی اے یا صرف کچی سوهنا سچ یا مسوس ہون واہ جذبہ۔ انسائیکلوپیڈیا بریٹانیکا آرت نی اینج دسدا اے، "اوہ سوهنیاں شیواں، محول، یا تجربیاں جنہاں نی دوجیاں نی وی دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ تے گر نی ورتیا گیا ہوئے"۔ ایتھے آرت وچ مورتاں (Painting) بتی بنانا (Sculpture)، تے فوٹوگرافی آند ے نیں۔ آرکینیکچر نی وی ویکھے جان والے آرت وچ گنیا جاند اے پر اوہد ے وچ اوس شی تے کم لینا اوہد ے بنان دا مذہ ہوندا اے۔ موسیقی، تھیٹر، فلم نی آرت نال رہا جاسکدا اے۔

آرت فلسفی دی اک ونڈ اے جید ے وچ ایدی اصل ایذا بنانا تے ایہنی دسنا آند ے نیں۔ آرت اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نی دسن یا کسے ہر تک اپڑان لئی۔ ارسطودی فلسفی وچ آرت اک ودیا تے آئیڈیل نقل (Mimesis) اے۔ لیونالسنائی ایہنی اک بند ے تھی دوجے بند ے تک کل اپڑان دا پنہا ول کیندا اے۔ مارٹن ہائیگر دی اکھ وچ آرت اک ایسا ول اے جید ے راہیں کچی سنگت اپنا آپ دس دی اے۔

تاریخ

وینس ولندورف

آرت دے سب توہی پرانے نمونے پتھر ویلے توہی لبہ دے نیں وینس و لنڈورف 24,000 توہی 22,000 م پ دی ا ک زانی دی پتھر دی بنی مورتی ا دے جیہڑی آسٹریا توہی لبی سی۔ اہ سکوفرانس وچ زمین د دے اندر غاراں وچو 17,300 ور دے پرانیاں جانوراں دے انساناں دیاں مورتاں کنڈاں دے بنیاں ملیاں نیں۔ ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا ا دے۔ وشکارلہ پتھر ویلہ 6000-8000 م پ لنگان دے نیوٹھک ویلے 3000-6000 م پ وچ انسان نے وائی بیجی دے ا ک تھان دے ڈک دے رھنا سکھیا، رھتہاں گنجلیاں ہوياں دے مذھب نے وی ماننا پائی دے انسان نے اپنے فید دے لئی ہتھ نال کئی چیزاں بنایاں سکھیاں دے فیر کانسی ویلے 1000-3000 م پ وچ پھلیاں انسانی رھتہاں پوگریاں۔ پرانے مصر، پرانے عراق، فارس، ہڑپہ رھتل، چین، پرانے یونان، روم دے انکا دے مایا دیاں رھتہاں نے اپنیاں آرت دیاں ریتاں اپنیاں ضرورتاں دے اپنے کول ہون والیاں شیواں توہی بنایاں۔ آرت اودوں لکھائی د دے بنن نال نردا ا دے۔ لکھائی اپنے مذھ ویلے توہی دے بپارد دے کم نہی سکھا دے لین دین نہی یاد رکھن لئی بنی۔ لکھائی پھلے مورتاں نال دے فیر وازاں نہی نشان د دے دے کے دے اوهناں نہی جوڑ دے بنائی جانڈی ا دے۔

پرانا عراق

پرانے عراق دا آرت دجلہ دے فرات د دے دریاواں د دے وشکار 6 ہزار ور دے پھلے توہی اوتھے پوگریاں والیاں اشوری، سمیری، کالڈی، رھتہاں وچ بنیا۔ ایتھو د دے آرکیڈیکچر وچ ات دے ذات دا ورتن سی دے اید دے نال زکوت، مندر دے وکھریاں پسراں والے هرم بنائے ڈے۔ محلہاں وچ وکھریاں پسراں دے سوہنے رکھ اہے ڈے جیہڑے پرانی دنیا دیاں 7 نوپکلیاں شیواں وچو سن۔ بتی بنان دا ول لکڑ نہی چھل دے دے نقشی دہکی پتھر نال بنیا دے ایہناں نال مذھبی، شکاری دے فوجی وکھالے انساناں دے جانوراں نال بنائے جانڈے سن۔ سمیری ویلے وچ نکیاں بتیاں جتاں د دے کنار دے تکھے، رنگلے پتھر دیاں، گنجے سر دے چھانیاں دے ہتھ سن۔ اکادی ویلے دیاں بتیاں د دے سرد دے وال لمے دے دازیاں سن جیویں نارام سین۔ عموری ویلے دیاں بتیاں نہی اہے کاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا ا دے جید دے چ گڈیا نے چادر سرتے ٹوبی دے ہتھ چھاتی دے رکھے نیں۔ اشتر بوآ جیہڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل د دے آرکیڈیکچر ارت دی وڈی نشانی ا دے دے ایدا کج حصہ پرکامون میوزیم، برلن وچ ہے۔

گیوئل شیرنی 5000 ور دے پرانی اہے نم پتھر دی بنی ا ک مورتی ا دے۔ عراق وچ ایہ اودوں بنی جدوں بھیدے دے لکھن دا ول بنڈے ڈے۔ دکھنی عراق وچ ارک وچ کول پیپ ورگیاں مھراں دے بنیاں مورتاں کھانی سناندا ا ک نوپکھ ول سی۔ ایہ مھراں پتھر منی یا کسے ہور شے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سن۔ رات دی رانی عراق چوہی لبی کٹی 3800 ور دے پرانی پتھر دے بنی عورت دیوی دی بتی ا دے جید دے پیر پنجمی ورگے دوالے پر، سجے کھے شیر دے الو نیں۔ گڈیا دی بتی 2144 - 2124 م پ ور دے پرانی ا دے۔ اردا سنینڈرڈ، کھڑی بکری، تانبہ بلد دے گدھ دی یادگار پرانے عراق د دے آرت

دیاں منیاں پرمنیاں نشانیاں نیں۔

لکھائی دا ول بن نال پرانے عراقی لکھتاں وچ وی اپنے آپ نوں دسدے نیں۔ کلکامش 17 صدی م پ وچ لکھی گئی ایدے وچ سمیری تے اکادی دیوتاواں دیاں کہانیاں نیں۔ انراہسس، اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدے وچ ہز آن دی کہانی دسی گئی اے۔ بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں منی پرمنی لکھت انوما الیش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بن دی کہانی دتی گئی اے۔

پرانہ مصر

ملکہ نیفریتیتی

پرانہ مصری آرٹ 5000 م پ توں لے کے 300 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری رھتل دی نشانی اے تے ایہدے وچ مورناں، بتیاں، آرکیڈیکچر تے رل دیاں چیزاں آندیاں نیں۔ ایہ مصری آرٹ پرانیاں قبرناں تے یادگاری تھانواں توں لبیا تے اینج ایسے وچ مرن مگروں جیوں تے پرانی جانکاری نہی بچان تے زور اے۔ ایہ آرٹ 3000 م پ توں لے کے تیجی صدی تک تے اچھے دوسرے تے تیسرے نبر ویلے وچ بنیا۔ 3000 ورے دے لمے ویلے وچ ایدا تے باہر دا کچی اثرناں پیا تے جس ودیا ول نال ایہ نریا تے بنایا گیا انت تک انج دا ای ریا۔ ایس ویلے دا منیا آرنسٹ پیبلو پکاسو مصری آرٹ توں اثر لیندا اے۔

مصر ا ک سکا دیس ہون باجی ایتھے بنیاں مورناں ٹھیک ملیاں نیں۔ مصر دیاں بتیاں وچ سب توں چوکیاں جاناں جان والیاں رامسیس II، اخناتون، نیفریتیتی، اوسکون II، امنھوپ III، منکار تے نختنامون نیں۔ مصری پانڈے پتھر توں لے کے منی نال بندے سن تے اوہے تے کالے یا رنگلے نقش بے ہونڈے سن۔ ایہناں وچ عام کروج ورتن دے پانڈے مرتبان، کڑے نیں۔

مصری مندراں، محلہ، ہرماں، قبرناں، تے ہور کوٹھیاں نہی بنان وچ ات، کھنم پتھر، ریتل پتھر تے گرینائٹ ورتے گئے۔ لکڑ تھوڑی ہون باجی ایدا ورتن تھوڑا اے۔ خوفودا اہرام، ابوالہول، کرناک، لکسر، ادفودے مندر ایدے وڈے امہارن نیں۔ مصری لکھتاں تے مورناں بنان لئی پیپائرس ورتدے سن۔ ایہ اک بچے توں بنایا جاندا سی۔ ایدیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا ہونگا۔ سبکی دنیا وچ وی ایدا ورتن سی پر پرکٹے ہورناں رھیاں۔

پرانہ یونان

پرانہ یونانی آرٹ بتیاں، آرکیڈیکچر، پانڈے تے مورناں وچ دسد اے تے ایس نے یورپ تے ایشیا وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں۔ یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں وکھن تے نمونیاں وچ بندے سن۔ پانڈے جناں وچ مرتبان تے پلیٹاں تے عام زندگی دیاں مورناں بنیاں ہوندیاں

سن۔ یونانی آرکیڈیکچر اپنی شان، سادگی سے سونہپ وچ اپنی امہارن آپ اے۔ پگامون، پارٹھینن، ہیفسٹس دا مندر ویکھن والیاں تھانواں نیں۔ مائلو دی وینس، سیموٹھریس دی نائیکے، یونانی بتیاں دیاں ودیا امہارن نیں۔

دکھنی ایشیاء

دکھنی ایشیاء وچ آرت دی ریت ہڑپہ رھتل توں نردی ہوئی آج دے ویلے تک ایڑی اے۔ بانڈے بتیاں آرکیڈیکچر، مورٹاں تے ایہ آرت ویکھیا جاسکدا اے۔ مہنجودازو دی نچدی کری، پنڈت بادشاہ، مہراں جنہاں تے ہاتھی بلڈ تے سواسٹیکا بنے ہوئے سن، تے منی دے وڈے مرتباناں تے پانڈیاں تے مورٹاں اوس ویلے دے آرت دا وکھالہ نیں۔ بت بنانا ہندو جین تے بدھ مت دی ریت رئی اے۔ اجنتا دے غار پرانی ہندستانی بتی دی اک ودیا تھان اے۔ ہندو ہزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو، شیوا، لکشمی، گنیش، ہنومان، اندرا، رام تے سرسوتی دیاں مورٹاں تے بتیاں بنا کے مندراں تے کراں وچ رکھدے آئے نیں۔ اٹکے پنجاب وچ گنہارہ بدھ مت دے آرکیڈیکچر دی وڈی تھان سی۔ ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوالے نیں تے ویلے نال ایہناں دے بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تے یونانی رنگ وی دسدا اے۔ مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسدا اے۔ مغل راج ویلے دیاں مورٹاں مغل بادشاہواں تے اوہناں دے جیون دے دوالے ای بنیاں نیں۔ کانگڑہ راجپوت تے پنجاب مورٹاں بنان دے مغل مگروں وکھرے سکول سن۔ مورٹاں دے ول نوی انگریزاں نے آکے اپنا رنگ وی چارایا۔ قطب مینار قطب الدین ایبک دی جت تے دلی وچ بنایا گیا ا ک مینار اے۔ آرکیڈیکچر وچ پرانے قلعیاں مندراں دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیڈیکچر ہندستان دی پہچان بندا اے۔ تاج محل، بادشاہی مسجد، شاہ مار باغ، شاہی قلعہ مغل آرکیڈیکچر دے کج نشان نیں۔

اسلامی خطاطی

اسلامی خطاطی : یہ ایک فن ہے، جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن۔ [1] اس فن کو اسلام سے جوڑ دیا گیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوا ہے۔ اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ، اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی۔ [2]

یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بھی عام ہے۔

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سراہی گئی۔ مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں بولتے ہیں۔ یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے۔ عربی، فارسی، اردو، سنسکرت، آذری، ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول

ہوا۔ قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا۔ چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے، کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتی کا بیڑا اٹھایا۔ عثمانیہ دور میں 'دیوانی' خط عروج میں آیا۔ دیوانی خط کا ایک روپ 'جلی دیوانی' یا 'دیوانی الجالی' ہے۔ رفتہ رفتہ، 'رقع' خط کا ارتقاء ہوا۔

اشیاء خطاطی [ترمیم]

رواجی طور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ۔ اہم ہیں۔

• قلم : خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں۔ "برو" یا "بانس" یا "بمبو" کے قلم مشہور ہیں۔ قلم کی نوک، حرفوں کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں۔ حروف جتنے چوڑے، قلم کی نوک اتنی چوڑی۔

• دوات : دوات، شئی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں۔

خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں۔ شہر حیدرآباد دکن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دے رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی [ترمیم]

اسلامی "مسجد خطاطی" یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے۔ مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر گنبدوں پر، اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر-فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحیم، اور اللہ - محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے۔ ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان

عربی (العربية al-'arabiyyah یا عربی / لغة عربية 'arabi)، سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے۔ جدید عربی لسانی کی عربی زبان (فصحی عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے۔ فصحی عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے۔ فصحی عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے۔ عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار

الفاظ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ۔ مگر تمام لہجے میں بونے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزه سمیت 29 حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے۔ (Arabic language)

حروف تہجی

حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں۔ جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ابجد ہوز حطی کلمن سعفس قرشت ثخذ ضطغ۔ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں۔ علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے۔ جو کچھ یوں ہیں۔

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو 786 بنتے ہیں۔ بعض پہلے علم ہمزه (ء) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انیس حروف تہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزه سمیت کل 37 حروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کہ، بھ وغیرہ۔ اردو میں فن تاریخ کوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ پرآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً 'پ' کے اعداد 'ب' کے برابر، 'ذ' کے اعداد 'د' کے برابر، 'ک' کے اعداد 'ک' کے برابر اور 'ے' کے اعداد 'ی' کے برابر شمار کیے جاتے ہیں۔